

ادامه از صفحه ۵

جایگاه صنعت بیمه در اقتصاد ایران

تا پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، علاوه بر شرکت سهامی بیمه ایران، ۱۳ شرکت بیمه خصوصی و دو نمایندگی خارجی راه‌اندازی شد. هم‌اکنون تعداد شرکت‌های بیمه به ۳۶ شرکت بیمه‌ای بالغ می‌شود. با توجه به فضای سیاست‌محرم و امکان حضور سرمایه‌گذاران خارجی در ایران که باعث ورود اقتصاد کشور به فضای اقتصاد جهانی و همچنین حرکت به سوی اقتصاد مقاومتی در یک اقتصاد پویای تولیدی و بدون اتکای صرف بر نفت خواهد شد، نقش صنعت بیمه اهمیت خاصی دارد. زیرا- ضرورت فعال صنعت بیمه از الزامات و یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین اقدامات برای ایجاد زمینه‌های مساعد برای جذب سرمایه‌ها به ایران به دلیل پوشش ریسک‌های سرمایه‌گذاری در ایران به وسیله صنعت بیمه است. در همین رابطه نرخ نفوذ بیمه‌ای به‌عنوان مهم‌ترین شاخص گسترش بیمه در اقتصاد که درحال حاضر به بیش از یک درصد بالغ شده، می‌تواند سکوی جهش این صنعت محسوب شود. افزایش جنبه تأمیننی بیمه‌ای که می‌تواند موجب توسعه و تعمیم فرهنگ بیمه در جامعه شود، در شرایط کنونی بسیار مورد تأکید است که این امر با تغییر نظام نظارتی صنعت بیمه از نظارت تعرفه‌ای و موردی به نظارت غیرتعرفه‌ای و فنی است که در آن فضا به جای کنترل نرخ و بیمه‌نامه، صلاحیت فنی مدیران و توان مالی شرکت‌های بیمه یا همان شاخص توانگری بیمه برای ایفای تعهداتشان بررسی و نظارت می‌شود.

تصویب آیین‌نامه جدید سرمایه‌گذاری و ابلاغ آن به شرکت‌های بیمه‌ای و همچنین اجرای یکپارچه مجموعه اقدامات مشخص که شرکت‌های بیمه باید با هدف ترغیب اشخاص به خرید بیمه‌ای انجام دهند، می‌تواند باعث رشد و گسترش صنعت بیمه از طریق گسترش ضریب نفوذ بیمه شود.

حفظ ثروت ملی و تشکیل پس‌اندازهای بزرگ جز با پیشرفت صنعت بیمه در کشور انجام نخواهد شد به‌طوری‌که صنعت بیمه‌ای در ارتباطی متقابل با رشد و توسعه اقتصادی، موجب افزایش مبادلات و توسعه سرمایه‌گذاری‌ها می‌شود. در واقع صنعت بیمه، با توجه به نقش آن به‌عنوان یک نهاد سرمایه‌گذار و تعهدش در جبران خسارت، می‌تواند بر فعالیت‌های اقتصاد کلان و نیز در رشد اقتصادی کشور، تأثیر بسزایی داشته باشد.

اتجا که سرمایه‌گذاری‌های جدید، باعث توسعه و رشد اقتصادی هر کشوری می‌شود، تأمین امنیت سرمایه‌ها در تداوم این رشد، از اهمیت خاصی برخوردار بوده و فقط در صورتی که سرمایه‌گذار بداند خطری سرمایه‌اش را تهدید نمی‌کند، اقدام به سرمایه‌گذاری جدید می‌کند که ملازمه چنین امری در این شرایط، حضور صنعت و فعالیت‌های بیمه‌ای متضمن پوشش ریسک بیمه می‌تواند نگرانی از وقوع این خطر را کاهش دهد زیرا در جهان پیشرفته کنونی، صنعت بیمه به چنان جایگاهی رسیده است که می‌تواند با ایجاد اطمینان در مجموعه فعالیت‌های اقتصادی کشورها، نقشی کلیدی در توسعه اجتماعی و اقتصادی آنها ایفا کند. متأسفانه محفلت نیز نشان‌دهنده آن است که بین ضریب نفوذ بیمه و درآمد سرانه کشورها رابطه مستقیمی برقرار است. بنابراین می‌توان گفت توسعه و بیمه، لازم و ملزوم یکدیگر هستند و بنابراین اهمیت و نقش توسعه فرهنگی و فرهنگ‌سازی در زمینه بیمه بیش از پیش نمایان می‌شود. به‌عنوان جمع‌بندی باید گفت در دوره سیاست‌محرم صنعت بیمه کشور با سه رویکرد زیر می‌تواند در رونق اقتصادی و توسعه صادرات نقش حیاتی خود را ایفا کند.

اولین رویکرد باید گرفتن رتبه اعتباری (Credit rating) از مؤسسات معتبر بین‌المللی باشد. نداشتن رتبه اعتباری در سال‌های گذشته موجب شد بیمه‌گران ایرانی در داخل کشور به‌ناچار با مؤسسات بیمه‌ای داخلی همکاری و ریسک‌های داخلی را پوشش دهند، بدیهی است با اخذ رتبه اعتبار صنعت بیمه ایران قادر خواهد بود در قبولی اتکایی فعالیت‌های خود را توسعه دهد زیرا متأسفانه با وجود قدمت یک قرن فعالیت بیمه‌ای و بیمه‌گری در ایران، صنعت بیمه‌ای ایران هیچ‌گاه نتوانسته دارایی‌ها و مسئولیت‌های بیمه‌ای در خارج از کشور را خود راسا بیمه کند و عملاً این بازار را به رقبا واگذار کرده است درحالی‌که می‌توان با اخذ رتبه‌بندی در زمان قبولی اتکایی یا صادرات خدمات بیمه‌ای به خارج از کشور، ارزش قابل‌توجهی برای ایران به ارمغان آورد؛ علاوه بر آنکه صنعت بیمه می‌تواند در کنار واگذاری اتکایی و خرید بیمه از سایر کشورها، درآمد قابل‌توجهی از محل قبولی اتکایی یا فروش بیمه نیز کسب کند. نکته حائز اهمیت آنکه دسترسی به این مهم از طریق اهمیت متخصص بیمه‌ای امکان‌پذیر است که صنعت بیمه ایران به خلأ دانش مبتلاست و متأسفانه به اندازه ظرفیت و نیاز کشور، نیروی انسانی متخصص در این موضوع پرورش نیافته است که می‌توان از طریق برنامه‌ریزی عاجل با مراکز آموزشی کشور این کمبود را جبران کرد.

علیرضا بهداد: روزی که حسن روحانی، اسحاق جهانگیری را به عنوان معاون اول، مسعود نیلی را به عنوان مشاور اقتصادی و محمدعلی نجفی را به عنوان دبیر ستاد هماهنگی اقتصادی دولت انتخاب کرد، سمت‌وسویی را که دولت یازدهم برای بازسازی اقتصاد ویران‌شده در دولت قبل، می‌خواهد در پیش گیرد مشخص کرد. این دولت با بهره‌بردن از اقتصاددانان و تکنوکرات‌هایی که معتقد به اقتصاد آزاد و رقابتی‌کردن تولیدات بودند استراتژی خود را دراین‌خصوص تبیین و راه آزادسازی اقتصادی را در پیش گرفت. حال که سه سال از عمر دولت یازدهم می‌گذرد و کارنامه تیم اقتصادی کشور هویدا و قابل بررسی است این سؤال پیش آمده که اصولاً تیم اقتصادی دولت در راه آزادسازی اقتصاد کشور چه کرده و آیا توانسته علاوه بر برگرداندن قطار اقتصاد کشور از لبه پرتگاه به ریل اصلی، ریل‌گذاری جدیدی را هم انجام دهد.

شهرام معینی، عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان در گفت‌وگو با «شرق» بر این باور است که هنوز راه زیادی باقی‌مانده تا اقتصاد ایران مانند سایر اقتصادی‌های بزرگ جهانی به درجه بالایی از آزادسازی برسد. از نظر او با توجه به آماده‌نبودن زیرساخت‌ها و توقع مردم از دولت برای سرکوب قیمت‌ها، خروج دولت از قیمت‌گذاری به عنوان نخستین گام برای آزادسازی فعالیت‌های اقتصادی، بسیار سخت و زمان‌بر است و به‌راحتی نمی‌توان نهادهایی که کنترل قیمت را بر عهده دارند، منحل کرد و همه امور قیمت‌گذاری را به بازار سپرد.

با توجه به بهره‌بردن دولت از یک تیم اقتصادی قوی و معتقد به اقتصاد آزاد، به نظر شما دولت یازدهم تا چه اندازه در آزادسازی اقتصاد موفق عمل کرده و توانسته آن را در ایران رواج دهد؟

آزادسازی اقتصادی و تجاری چنان‌که می‌دانید، ابعاد گسترده‌ای دارد. اما به‌طورکلی پس از جنگ در کشور در این مسیر حرکت شده است. اگر بخواهیم با زمان شروع به‌کار دولت کنونی مقایسه کنیم، عملاً در آن زمان و البته به‌ناچار، مبادلات و تجارت خارجی به وضع بسیار دشواری رسیده بود، مبادلات ارزی دشوار بود و دخالت در قیمت‌گذاری‌ها به دلیل تورم لجام‌گسیخته، گسترده شده بود به نحوی که حتی عرضه ارز هم به صورت سهمیه‌بندی و کنترل‌شده با قیمت مصوب چندگانه انجام می‌شد. در قیاس، طبعاً امروز این محدودیت‌ها بسیار کمتر شده است. اما هنوز موانع ساختاری نظری تورم و سراب جاهلانه شکل‌گیری یک بخش خصوصی صنعتی تعرفه‌ای چون مانع شکل‌گیری بخش خصوصی صنعتی اداری قدرت رقابت واقعی است و بخش اقتصادی متکی بر رانت تعرفه را بزرگ می‌کند، به‌ناچار خودش را بازتولید می‌کند، یعنی موانع تعرفه‌ای باعث شکل‌گیری صنایعی می‌شود که به موانع تعرفه‌ای، متکی، محتاج و معتمد است و ناچار است با تمام وجودش از بقای آن دفاع کند و این امر طبعاً موانع آزادسازی را بلندتر می‌کند.

دخالت‌نکردن دولت در قیمت‌گذاری، یکی از شاخصه‌های مهم آزادسازی فعالیت‌های اقتصادی است. آیا دولت یازدهم در این زمینه توانسته موفق عمل کند و تا حد امکان قیمت‌گذاری کالا و خدمات را به دست بازار بسپارد؟

تا حد معینی و در موارد محدودی بله، آزادسازی نسبی نرخ ارز و اصلاح قیمت حامل‌های سوختی متناسب با قیمت‌های بین‌المللی می‌تواند به‌عنوان شواهد این امر ذکر شود، اما به‌طورکلی باید توجه داشت که قیمت‌ها مکرراً در ایران افزایش یافته و دولت هم دخالت‌هایی در دست‌کاری قیمت‌ها داشته، اما امروزه دخالت مستقیم دولت در قیمت‌گذاری‌ها، در کشور خیلی جدی، گسترده و انعطاف‌ناپذیر نیست و حجم دخالت‌های غیرمستقیم در قیمت‌گذاری مثلاً از طریق تعرفه‌گذاری و تغییرات تعرفه‌ای، به‌مراتب بیشتر و گسترده‌تر است.

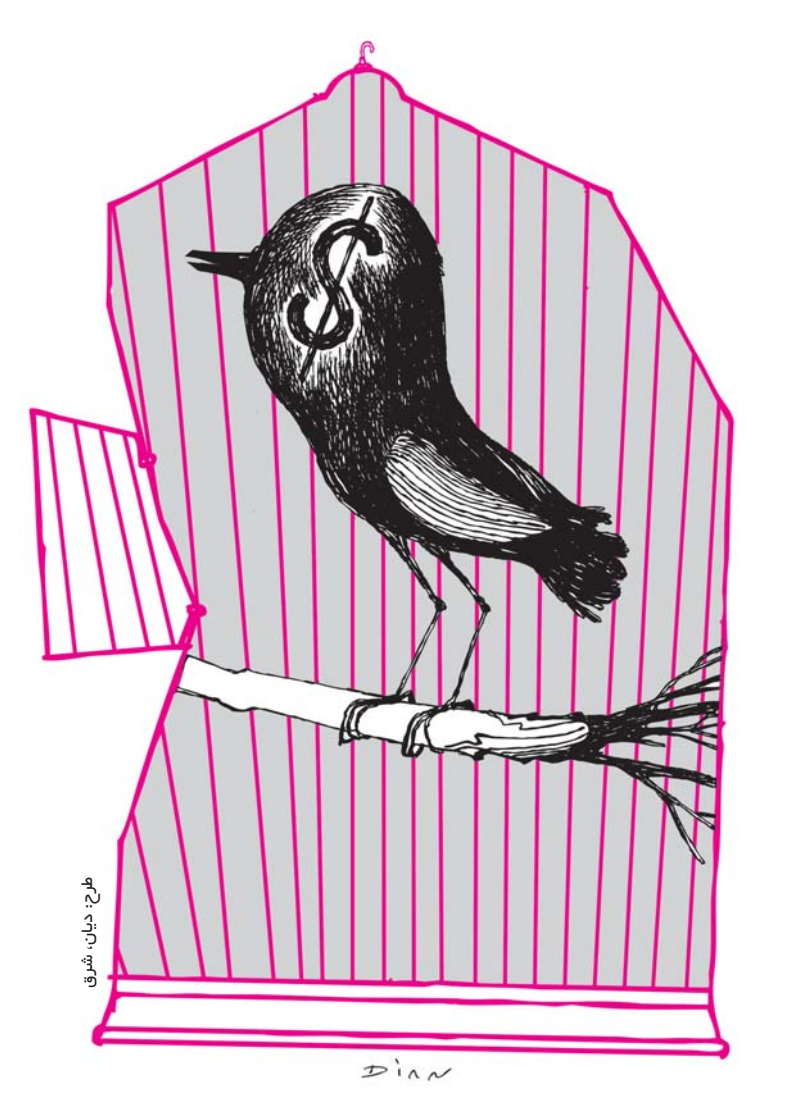
از سوی دیگر باید توجه داشت که دست‌کاری‌های قیمتی، فرایندی غلط و آسان و البته افتادن در چاهی است که خروج از آن دیگر ابداً به‌آسانی میسر نیست. وقتی شما دست به مداخله و دست‌کاری قیمت می‌زنید، برخی بخش‌ها را در اقتصاد تقویت و برخی را تضعیف می‌کنید یا بخش‌های بزرگی را در اقتصاد ایجاد می‌کنید که اساساً نباید شکل می‌گرفتند و بخش‌های دیگری را که می‌توانستند در شرایط رقابتی شکل بگیرند، محکوم به مرگ می‌کنید. طبعاً در این شرایط، بخش‌های اساسا شکل‌نگرفته یا تضعیف‌شده به‌عنوان قربانیان دست‌کاری‌های قیمتی، با وجود نداشتن رتبه اعتباری در سال‌های با مداخله‌های مضر، مقابله کنند و بخش‌هایی که در اثر رانت‌های قیمتی، اساساً خلق شده یا تقویت شده‌اند، هم معتمد به این رانت‌ها بوده و هم به‌عنوان گروه فشار قوی و اثرگذار، تمام تلاش خود را برای حفظ این رانت‌ها می‌کنند. بی‌گمان تمام دولت‌های اخیر با این معضل مواجه بوده‌اند که اقتصاد را در شرایط مداخله‌های گسترده، تحویل گرفته‌اند. وانگهی، مداخله‌های

اقتصاد

«شهرام معینی» در گفت وگو با «شرق» عملکرد ۳ساله دولت در آزادسازی اقتصادی را بررسی کرد

اقتصاد ایران معتاد رانت

وزارت بهداشت، دولت را با بدهی‌های جدید، بزرگ و مستمر افزایشده مواجه کرده‌است



قیمتی، سطح رقابتی‌بودن اقتصاد را کاهش می‌دهد که خود مانعی برای عدم مداخله قیمتی است. به نظرم در همه دولت‌ها، عزم کارشناسی و سیاسی کمابیش جدی برای کاهش مداخله‌ها وجود داشته است، اما عزم مشابهی در دیگر دستگاه‌های عمومی و اداری خارج از هیات وزیران، در این خصوص دیده نشده است و مهدلی‌هایی که گاه وجود داشته، بسیار متزلزل، توأم با دودلی و نهایتاً موقت و بی‌سرانجام بوده است.

هنوز وجود نهادهای نظارتی مانند سازمان حمایت، شورای رقابت و تعزیرات حکومتی در اقتصاد ایران مانعی بر سر آزادسازی قیمت‌هاست. به نظر شما دولت چه برنامه‌ای برای ادامه کار چنین نهادهایی باید تدوین کند؟ طبعاً انحلال این نهادهای واقع‌بینانه نیست و باید به اصلاح وظایف اندیشید. در اقتصادهای پیشرفته، با وجود بازار آزاد، کنترل‌ها و استانداردهای کیفی گستره و فرابندهای برای کالاها و حتی خدمات جهت حمایت از مصرف‌کننده در مقابل نبود

تقارن اطلاعاتی، بسط داده شده است. سازمان‌هایی که تذکر کردید، نهادهایی بوروکراتیک هستند و به‌راحتی می‌توان با تدوین مأموریت‌های جدید، مثلاً پیگیری رعایت مقررات سخت و سخت کیفیت در کالاها و محصولات مختلف و مراقبت و نظارت بر حفظ استانداردهای مختلف و...

آنها را به دنبال مأموریت‌های جدید فرستاد و مشغول کرد. نه این نهادهای بوروکراتیک بی‌گناه! بلکه فقدان بینش اقتصادی در برخی اولیای امور درباره کارکرد نظام قیمت‌ها و زبان‌های دست‌کاری قیمتی، مانع اصلی کاهش مداخله‌ها و دست‌کاری‌های قیمتی در کشور است.

آیا اقتصاد ایران با توجه به سیاست‌گذاری‌های صورت‌گرفته به سمت آزادسازی پیش می‌رود؟ سازوکارهای داشتن اقتصاد رقابتی برای ایران چه گزینه‌هایی می‌تواند باشد؟ درواقع پرش اصلی این است که آیا زیرساخت‌های لازم برای آزادسازی فعالیت اقتصادی در کشورمان به وجود آمده است؟

ما در این زمینه پس از جنگ و با اهتمام نظام کارشناسی دولت (همه دولت‌ها بلااستثنا) به طور کلی در یک مسیر رو به جلو قرار داشته‌ایم. اگر امروز توان اقتصادی کشور به‌هرحال قابل مقایسه با دهه ۶۰ نیست، بخشی از آن هم به همین روند برمی‌گردد. امروز رقابت اقتصادی در داخل وجود دارد اما مشکل این است که اقتصاد ما به واسطه ایزوله‌بودن، در معیارهای جهانی، یک اقتصاد رقابتی نیست. اقتصاد رقابتی البته نیازمند محیط مناسب نظیر ثبات اقتصاد کلان، با نظام قیمتی دست‌کاری و تحریف‌نشده است اما به‌هرحال نهایتاً اقتصاد رقابتی نیازمند سرمایه‌گذاری‌های گسترده دارای مزیت رقابتی واقعی است. در کنار نیاز به سرمایه‌گذاری جدید دارای مزیت رقابتی، ما نیازمند

نوسازی صنعتی جدیدی در برخی صنایع موجود فعلی، سطح رقابتی‌بودن اقتصاد را کاهش می‌دهد که خود مانعی برای عزم کارشناسی و سیاسی کمابیش جدی برای کاهش مداخله‌ها وجود داشته است، اما عزم مشابهی در دیگر دستگاه‌های عمومی و اداری و خارج از هیات وزیران، در این خصوص دیده نشده است و مهدلی‌هایی که گاه وجود داشته، بسیار متزلزل، توأم با دودلی و نهایتاً موقت و بی‌سرانجام بوده است.

به‌عنوان راه منحصربه‌فرد رشد بیشتر و اقتصاد رقابتی‌تر است. بی‌شک، دولت در کشور در قیاس با کل دستگاه اداری و دیوانی اداره‌کننده کشور، بخش هوشمند و پیشرو این مجموعه بوده است. اتکا به نظام کارشناسی گسترده، وسعت نظر بیشتر همه دولت‌ها در جلب بهترین و قوی‌ترین نخبگان و پاسخ‌گویی نسبی بیشتر دولت به افکار عمومی و رسانه‌ها از جمله علت‌های کمک‌کننده به نقش‌پیش‌تاز و هوشمند دولت‌ها به‌عنوان یک قوه عاقله بوده است.

رشد بیشتر و اقتصاد رقابتی‌تر است. بی‌شک، دولت در کشور در قیاس با کل دستگاه اداری و دیوانی اداره‌کننده کشور، بخش هوشمند و پیشرو این مجموعه بوده است. اتکا به نظام کارشناسی گسترده، وسعت نظر بیشتر همه دولت‌ها در جلب بهترین و قوی‌ترین نخبگان و پاسخ‌گویی نسبی بیشتر دولت به افکار عمومی و رسانه‌ها از جمله علت‌های کمک‌کننده به نقش‌پیش‌تاز و هوشمند دولت‌ها به‌عنوان یک قوه عاقله بوده است.

آیا برای داشتن اقتصادی شکوفا فقط دولتمردان دخیل هستند یا اینکه نیاز به تصمیمی جامع از سوی حاکمیت و قوای دیگر داریم؟ قویا معتقدم اگر حقیقتاً خواستار بهبود اوضاع کشور از لحاظ رشد اقتصادی و تقویت اقتصاد رقابتی و حل و تخفیف مشکلاتی نظیر بی‌کاری هستیم، باید صادقانه بدانیم در حد توان دولت‌ها کار بیشتری از دولت به‌تنهایی ساخته نیست و مطالبه بهبود اقتصادی از دولت‌ها تا صد سال و صد دولت دیگر هم مشکلی را حل نمی‌کند. خوشبختانه انواع دولت‌ها در ایران اعم از اصلاح‌طلب، اصولگرا و معتدل بر سر کار آمده‌اند و منشأ خدمات مهمی توأم با ارتقای نسبی اقتصاد کشور بوده‌اند. اما باید همه دستگاه‌های اداری و دیوانی جز دولت را هم تشویق کرد که در ابتدا با اصلاح و تقویت بینش اقتصادی از یک‌سو و سپس با تقویت تلاش و همراهی خود، امکان و زمینه عملی رشد بالا و اقتصاد رقابتی را فراهم کنند.

طبعاً انتقادهای جزئی به دولت‌ها هم وارد بوده و همیشه می‌توان پیشنهادات و توصیه‌هایی برای دولت‌ها داشت، ولی باید دانست توقع بیش از حد و انتقاد کلی از دولت‌ها البته ساده اما به همان اندازه نادرست است. در حد توان دولت‌ها محدود است و نهایتاً درمجموع با نگاه منصفانه، همه دولت‌ها

بدون استثنا اقدامات مثبتی در جهت تحولات اقتصادی مطلوب در کشور داشته‌اند. البته ما نیازمند رشد اقتصادی بیشتر از میانگین جهانی هستیم و لازم است با جلب سرمایه خارجی و تقویت تعاملات تکنولوژیکی به اقتصاد رقابتی‌تر دست یابیم، اما مسئله این است که همه دولت‌ها به قدر ابزار در دسترس خود، در این مسیر تلاش کرده‌اند.

تیم اقتصادی دولت در ثبات‌بخشیدن به فضای کلان اقتصادی کشور چه اقدامات مثبتی انجام داده و چه اقدامات دیگری بهتر است در دستور کار خود قرار دهد تا اقتصاد ایران به سمت خروج دولت از بنگاهداری دولتی و شبه‌دولتی و سپردن امور به دست بخش خصوصی واقعی حرکت کند؟

بی‌ثباتی اقتصاد کلان در ایران در دهه‌های متمادی مانعی جدی برای رشد اقتصادی کشور بوده است. در زمینه، ثبات‌بخشی به فضای اقتصاد کلان باید گفت اولاً تا آنجا که به ثبات مؤلفه‌های اقتصادی مربوط می‌شود، اکنون ما در وضعیتی نسبتاً باثبات و هم‌زمان روبه‌ثبات بیشتر، قرار داریم، تورم پایین و کاهنده، نوسانات کاملاً محدود نرخ ارز و تراز تجاری مثبت و کم‌نوسان، همگی مؤید این معنا هستند. طبعاً کاهش نااطمینانی‌های مرتبط با تورم یا نوسانات شدید نرخ ارز در بهبود محیط اقتصاد کلان و فضای کسب‌وکار برای بخش خصوصی مؤثر است و محیط مساعدتری برای تصمیمات اقتصادی و سرمایه‌گذاری فراهم می‌کند. اما درعین‌حال، باید به چند چالش توجه داشت، نخست اینکه ما نیاز به تکمیل و تثبیت هرچه سریع‌تر این دستاوردها داریم، تورم را باید سریع‌تر به هدف نهایی زیر پنج درصد رساند که خوشبختانه ابزار آن هم در دست دولت و سیاست‌گذار پولی هست، با توجه به فروکش‌کردن سریع تورم، روند کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی هنوز کند است و می‌تواند سریع‌تر، تکرریمی شود و بالاخره لازم است ابزارهای پوشش ریسک در اقتصاد مثلاً پوشش ریسک نرخ ارز با بازار مشتقه ارزی توسعه یابد. نکته دوم اینکه رئیس‌جمهور، میراث‌دار بدهی‌های کلان به‌جامانده از قبل به بانک‌ها، پیمان‌کاران و... است که خدمت نااشی از کاهش شدید درآمدهای عمومی از زمان تحریم‌های نفتی و بانکی (و نه ناشی از بی‌انضباطی مالی دولت قبل برخلاف برخی تصورات) بود، اما درعین‌حال، اکنون وضع برخی بخش‌های داخل دولت مثل وزارت بهداشت و برخی بخش‌های دیگر خارج از قوه مجریه، در زمینه انضباط مالی، بسیار نامطلوب است و بر بدهی‌ها دامن می‌زند. مثلاً در طرح تحول سلامت با افزایش یک‌شبه و چند برابری تعرفه‌های بهداشتی، اکنون وزارت بهداشت، عملاً دولت را با یک‌سری بدهی‌های جدید، بزرگ و مستمراً افزاینده، مواجه کرده است به‌نحوی‌که به تازگی دولت مجبور به انتشار اوراق قرضه برای سازمان بیمه سلامت به میزان هشت‌هزارمیلیارد تومان شده است.

آ در این راه دولت چه وظایفی دارد و چگونه باید از انضباط مالی خود محافظت کند؟

طبعاً دولت به‌طوراکید، باید با مسئله بی‌انضباطی مالی و بدهی‌ها مقابله و فورا یک سقف عددی کاملاً شفاف برای آن تعیین کند و مانع بزرگ‌شدن بیشتر آن شود که می‌تواند به‌شدت بی‌ثبات‌کننده باشد. نکته آخر اینکه ثبات لازم برای فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری و به‌ویژه سرمایه‌گذاری خارجی، فراتر از صرفاً ثبات شاخص‌های اقتصاد کلان است و پیش‌و و بیش از ثبات اقتصاد کلان، نیازمند روابط بین‌المللی و منطقه‌ای بسیار باثبات و مستحکم، استحکام گسترده‌تر نهادهای مردم‌سالاری برای ثبات‌بخشی به سیاست داخلی و چرخش نخبگان و یک سیستم دادگستری کارا نیز هست که طبعاً در این زمینه‌های مهم، رئیس‌جمهور به اتکای سرمایه اجتماعی‌اش، حتی فراتر از اختیارات خود وارد عمل شده اما عمدتاً نیازمند همکاری دیگر مسئولان و همه قوااست.

خصوصی‌سازی و خروج دولت از بنگاهداری تا چه اندازه می‌تواند ما را به سمت داشتن اقتصادی آزاد سوق دهد؟

خروج دولت از بنگاهداری و سپردن امور به دست بخش خصوصی، امری مفید و قابل توصیه است، اما حتی اگر دولت از بنگاهداری خارج نشود و یک بخش خصوصی بزرگ و سریع‌را رشدیابنده وجود داشته باشد، خودبه‌خود این امر محقق می‌شود. امروز مشکل، فقدان بخش خصوصی واقعی بزرگ و دارای سرمایه‌های عظیم در ایران در قیاس با کشورهای دیگر هم‌رده ایران است. دولت ما تا تعهدات جاری گسترده، دیگر توان بالایی برای سرمایه‌گذاری جدید و کلان ندارد، بخش خصوصی هم دارای سرمایه‌های مشخص و محدودی است که در حد خود تلاش می‌کند و بی‌توصیه به سرمایه‌گذاری بیشتر هم مطلقاً مشکلی حل نمی‌شود، چون سرمایه بیشتری برای سرمایه‌گذاری بیشتر وجود ندارد. این حلقه منخوسه فقط با جلب گسترده سرمایه‌گذاری خارجی شکسته می‌شود.

ورود سرمایه‌گذاران خارجی، چون نیازمند شرکای داخلی هستند خودبه‌خود به رشد سریع بخش خصوصی واقعی منجر می‌شود و آنگاه بالطبع بخش خصوصی بزرگ شده، زمام اقتصاد کشور را عملاً به دست می‌گیرد، راه‌حل‌های دیگر توهم، سراب و بازی با الفاظ است.

خبر

صدور مجوز فعالیت بانک‌های ایرانی در فرانسه

● رئیس کل بانک مرکزی از صدور مجوز فعالیت سه شعبه بانکی ایران در فرانسه خبر داد و گفت: بانک‌های ایتالیا، آلمان و اتریش روابط بانکی را با ایران آغاز کرده‌اند، ولی نظام بانکی فرانسه محافظه‌کار است. ولی‌اله سیف در دیدار با رئیس پارلمان فرانسه گفت: انتظار ما این است با توجه به کنشایش‌های فراهم‌شده در فضای پسابرجام، اروپا نیز از قافله عقب نماند و در زمینه رفع موانع، اقدامات لازم را انجام دهد. دراین‌باره ما جلسات و مذاکرات زیادی برای تقویت همکاری با بانکداران اروپایی داشته‌ایم. وی افزود: بانک‌های کشورهای ایتالیا، اتریش و آلمان روابط خوبی با ایران آغاز کرده‌اند؛ اما احساس می‌شود نظام بانکی فرانسه دراین‌زمینه بسیار محافظه‌کار بوده و با احتیاط بیشتری عمل می‌کند؛ درحال حاضر سه شعبه از بانک‌های ایرانی مجوز فعالیت در فرانسه را به دست آورده‌اند که لازم است با تشویق دولتمردان فرانسوی، بانک‌های فرانسوی هم روابط خود را با بانک‌های ایرانی گسترش دهند. سیف با اشاره به تسویه‌حساب با مؤسسات بیمه صادرات اروپایی، گفت: بلافاصله بعد از اجرایی‌شدن برجام، همکاران ما در بانک مرکزی، مذاکرات خود را با این مؤسسات آغاز کردند و با رفع مغایرت‌ها، همه پرداخت‌ها انجام شد. رئیس کل بانک مرکزی با بیان اینکه حضور نام ایران در لیست سیاه FATF، امری سیاسی و بدون توجیه بوده است، تصریح کرد: در لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی، نام ایران در کنار کره‌شمالی آورده شده بود، درحالی‌که کشورهایی همچون نچریه و سودان به‌عنوان کشور همکار شناخته شده‌اند. رئیس شورای پول و اعتبار با یادآوری رتبه ریسک سابق ایران در OECD، گفت: هم‌اکنون رتبه اعتباری ایران بنا بر شاخص‌های OECD، از هفت به شش ارتقا یافته و این در حالی است که پیش از تحریم‌ها رتبه اعتباری ایران چهار بود. اکنون به‌واسطه سیاست‌های دولت یازدهم، در سه سال گذشته که تورم ۴۰۰ درصدی، به طور پایدار، تکرریمی شده و آرامش و ثبات به اقتصاد ایران بازگشته، حتی شرایط اقتصادی از زمان قبل از تحریم‌ها به‌مراتب بهتر شده است که در آینده نیز شاهد استمرار ثبات مالی پایدار خواهیم بود، به نظر نمی‌رسد رتبه شش مناسب باشد و انتظار ما این است به همان رتبه قبل از تحریم یعنی چهار، برسیم. در این دیدار، کلود بارتولون، رئیس پارلمان فرانسه، از آمادگی این کشور برای گسترش روابط اقتصادی و بانکی با ایران خبر داد و گفت: مسئولان فرانسوی نسبت به ظرفیت‌های ایران آگاهی دارند و امید است بتوانیم از آنها استفاده کنیم. تاکنون اقدامات مناسبی در زمینه‌های اقتصادی میان دو کشور انجام شده و امیدواریم این روند در آینده نیز ادامه داشته باشد. وی درباره اقدامات گروه ویژه اقدام مالی در سطح جهانی، گفت: هر چند در زمینه گروه ویژه اقدام مالی (FATF) حساسیت‌هایی وجود دارد، اما این مسئله فقط مربوط به ایران نیست و در کشورهای دیگر نیز وجود دارد. رئیس مجلس فرانسه با تأکید بر اینکه ائتلاف وقت برای گسترش روابط جایز نیست، گفت: وزارت امور اقتصادی فرانسه آماده انجام مذاکرات برای گسترش روابط اقتصادی با ایران است، دراین‌میان کسب جایگاه ناظر در منطقه اوراسیا از سوی ایران، نشانه مثبتی است؛ ضمن اینکه دولت فرانسه عزمی جدی برای اجرایی‌شدن همه مفاد برجام دارد. بارتولون درباره نقش همکاری فرانسه در موضوع FATF در برقراری ارتباط مالی با ایران و همچنین کمک به ایران در زمینه مشکلات فنی و تکنیکی اظهار کرد: کشور فرانسه درصدد است فعالیت‌هایی را در چارچوب انتقال تجربیات و همکاری‌های فنی برای پیاده‌سازی استانداردهای FATF با ایران انجام دهد تا بتواند بر ایالات متحده فشار آورد و دراین‌زمینه آماده حمایت و همکاری با ایران هستیم.

ادامه از صفحه ۵

آب در مسیر رویکرد اقتصاد سبز

در بسیاری از شهرهای درحال‌رشد زیرساخت فاضلاب غیرموجود، ناکافی یا منسوخ شده است. سیستم‌های غیرمصرف‌سازی آب، تصفیه و توزیع اغلب ضعیف است؛ علاوه‌براین، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه جهان، تلفات و هدررفت آب، به علت نشت فنی و دورریز آب، اغلب بیش از ۴۰ تا ۶۰ درصد از کل توزیع آب است. ازاین‌رو یکی از رویکردهای اقتصاد سبز دسترسی به آب سالم و بهداشتی به آب و سیستم فاضلاب بهداشتی بوده که گامی برای کاهش دور باطل فقر و جلودگری از تخریب محیط زیست است. ازاین‌رو در کشورهای مختلف جهان سرمایه‌گذاری‌های عظیمی دراین‌باره صورت می‌گیرد. به‌عنوان نمونه در آفریقا سرمایه‌گذاری در پروژه‌های کوچک‌مقیاس دسترسی به آب سالم و بهداشتی در حدود ۲۸.۴ میلیارد دلار، بارده اقتصادی در سال داشته که ارزش آن در حدود پنج درصد تولید ناخالص داخلی است. سازمان همکاری و توسعه (OECD) برآورد کرده که سالانه حدود ۱.۳ تریلیون دلار به سرمایه‌گذاری جدید برای جایگزینی و نگهداری زیرساخت‌های آب در کشورهای توسعه‌یافته و بازارهای نوظهور لازم است. علاوه‌براین برای تأمین مالی پروژه‌ها به طراحی جدید سیاست‌های مؤثر مالی و پشتیبانی و حمایتی مناسب برای تأمین زیرساخت‌های آبی نیاز است. تجربه کشورهای جهان درباره تأمین مالی پروژه‌های آبی می‌تواند برای ایران آموزه‌های مدیریتی و سیاست‌گذاری مناسبی به همراه داشته باشد.